

# روزنامه صبح

<b>دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۹</b> ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲ ۸ فوریه ۲۰۲۱
سال هجدهم • شماره ۳۹۳۶ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۸ • اذان مغرب ۱۷:۵۸
اذان صبح فردا ۵:۳۳ • طلوع آفتاب ۶:۵۷
<div><span>fardashargh@gmail.com</span></div>
<b>روزنامه‌رو</b>

بازسازی بنای تاریخی امین‌السلطان (خانه و باغ اتحادیه) در لاله‌زار که در سال ۱۴۶۱ خورشیدی در دوران قاجار ساخته شده است، عکس: کوشا مهشیدفلاحی، میزان



### تحلیل

## هشدار به مردم: زمین را غیرمسکونی نکنید

فراخوان درگیری عمومی با این مسئله ناندیشیدنی به‌ویژه در این شرایط هنوز کنترل‌نشده همه‌گیری کرونا، شکست‌های نهادین و بحران‌های اقتصادی در پیشرفته‌ترین کشورهای جهان به لحاظ فناوری، به‌ویژه مناسب‌ت دارد. زمانی نه‌چندان دور، فکر آن هم نمی‌شد که یک ویروس کشورها را به تعطیلی بکشانند و حفاظ‌های ایمنی به این صورت فاجعه‌بار فاقد تاب‌آوری نشان دهند. هشدار پژوهشگران بین‌المللی تا آنجا نمی‌رود که بگوید دقیقاً چه سقوطی و کی اتفاق خواهد افتاد. سقوط‌شناسی بیشتر با شناسایی روندها و همراه با

آنها خطرات تمدن روزانه سروراک دارد: رشد اقتصادی مرتباً رو به افزایش، مصرف سبانه منابع و اشباع‌شدگی مخازن محدود سیاره برای دفن زباله.

در میان امضانکندگان این هشدار، ویلیام ریس، بوم‌شناس جمعیتی در دانشگاه بریتیش کلمبیا دیده می‌شود که بیشترین شهرت وی به دلیل وضع مفهوم «رد پای بوم‌شناختی» است که کل مقدار نهاده محیطی لازم برای حفظ یک سبک زندگی معین را اندازه می‌گیرد.

ریس در ایمیلی نوشت، با این رد پای کنونی انسان- و بدترین نوع آن رد پای انرژی و منابع- خور [انسان] جهان ششال- «به‌نظر می‌رسد که برخی از اشکال سقوط اجتماعی، احتمالاً ظرف یک دهه و به‌یقین طی این قرن، ناگزیر باشد». ممکن‌ترین علت نزدیکی سقوط زیست-فیزیکی چیزی است که وی عبور از ریس در ایمیلی نوشت، با این رد پای کنونی انسان- و بدترین نوع آن رد پای انرژی و منابع- خور [انسان] جهان ششال- «به‌نظر می‌رسد که برخی از اشکال سقوط اجتماعی، احتمالاً ظرف یک دهه و به‌یقین طی این قرن، ناگزیر باشد». ممکن‌ترین علت نزدیکی سقوط زیست-فیزیکی چیزی است که وی عبور از ریس در ایمیلی نوشت، با این رد پای کنونی انسان- و بدترین نوع آن رد پای انرژی و منابع- خور [انسان] جهان ششال- «به‌نظر می‌رسد که برخی از اشکال سقوط اجتماعی، احتمالاً ظرف یک دهه و به‌یقین طی این قرن، ناگزیر باشد». ممکن‌ترین علت نزدیکی سقوط زیست-فیزیکی چیزی است که وی عبور از

خط قرمز(overshoot) می‌نامد؛ اینکه انسان سریع‌تر از آنکه سیستم بتواند بازتولید کند، از منابع بهره‌برداری کند. فعالیت اقتصادی انسانی رشد و توسعه خود را با سرمایه‌گذاری در نابودی «سرمایه» زیست-فیزیکی لازم برای زندگی خود تأمین می‌کند. ما با آهنگی فراتر از ظرفیت جذب زباله در طبیعت تولید می‌کنیم. به گفته ریس، دمای فزاینده، آفت ناکهانی گونه‌گونی زیستی، جنگل‌زدایی جهانی و آلودگی اقیانوس‌ها و نیز دیگر مشکلات، همه به جای خود اهمیت دارند. اما هر یک صرفاً عارضه گذشتن از خطوط قرمز است.»

یپامی که «ما باید از این نشانه‌ها بگرییم این است که همه فعالیت‌های اقتصادی انسانی در تحلیل نهایی با زیست محیط اندیخته، داده‌اند. البته این سقوط در مورد افرینه‌های غیرانسانی هم‌اکنون در جریان است. بنا به یک برآورد ۹۹ درصد از علف‌های بلند‌دشت‌ها در آمریکای شمالی از دست رفته است؛ ۹۶ درصد از زیست-جرم (biomass) پستانداران؛ زیست-جرم وزن آنها بر زمین است. اکنون شامل انسان‌ها. حیوانات خانگی و مرزعه‌ای ما می‌شود؛ تقریباً ۹۰ درصد ذخایر آبریان تحت نظارت سازمان ملل یا کاملاً بهره‌برداری و فرا بهره‌برداری یا تهمی شده است؛ یک مطالعه چندایله در آلمان نشان می‌دهد که زیست-جرم حشرات ۷۶ درصد کاهش یافته است.

محدوده‌های زیست-فیزیکی تعیین می‌شود. ما حیوانات استثنائی هستیم، اما از قوانین طبیعت معاف نیستیم.»

یکی دیگر از امضانکندگان این نامه هشدارآمیز ویل استیفن، دانشمند بازنشسته سیستم‌های زمین از دانشگاه ملی استرالیاست. استیفن بر «پارادایم رشد اقتصادی نولیبرال» و «بیکبری افزایش هرچه بیشتر تولید ناخالص داخلی» انگشت می‌گذارد و آن را «ناسازگار با یک سیستم زمین با عملکرد بهینه در سطح سیاره‌ای» می‌داند. وی به یک مصاحبه‌کننده می‌گوید، «سقوط محتمل‌ترین پیامد روند فعلی سیستم کنونی است که به شکلی پیش‌بینانه در محدوده‌های رشد مدل‌سازی شده است.» «محدوده‌های رشد» یک کتاب ۱۵۰صفحه‌ای شگفت‌انگیز منتشره در ۱۹۷۲ است. نویسندگان، گروهی از دانشمندان ام‌آی‌تی، یک مدل رایانه‌ای سیستم-دینامیکس (رویکردی برای درک رفتار غیرخطی سیستم‌های پیچیده -م) به نام جهان ۳ ساختند نخستین در نوع خود بود و از آن برای بررسی جهانی دینامیکس (رویکردی برای درک رفتار غیرخطی سیستم‌های پیچیده -م) به نام جهان ۳ ساختند روندهای رشد از ۱۹۰۰ تا ۱۹۷۰ استفاده می‌شد. آنها از داده‌های تاریخی استنتاج کردند تا برای ۱۲ سناریوی سال‌های آینده تا ۲۱۰۰ مدل‌سازی کنند.

این مدل‌ها نشان می‌دادند که هر سیستم مبتنی بر رشد تصاعدی اقتصادی و جمعیتی سرانجام متلاشی می‌شود. تیره‌ترین مدل آنی بود که در آن «گرایش‌های کنونی رشد در جمعیت جهان، صنعتی شدن، آلودگی، تولید غذا و تهی‌سازی منابع بدون تغییر ادامه می‌یابد.»

در آن سناریوی «کسب‌وکار به روش معمول» سقوط به کنسی در دهه ۲۰۲۰ آغاز می‌شود و پس از آن شتاب می‌گیرد. داده‌های به‌روزشده مطالعه مربوط به «محدوده‌ها» نشان داده‌اند که پیش‌بینی‌های آن تاکنون دقیقاً درست بوده است. نامه سرکشاده هشدارآمیز دسامبر می‌گوید، قطر افق درباره پیامدهای محدوده‌های زیست‌فیزیکی‌ما بحث کنیم. می‌توانیم «احتمال، سرعت، شدت و آسیب» آنها را کاهش دهیم، اما این پیام‌آوران آشوب آینده احتمال می‌رود که با بی‌اعتنایی روبه‌رو و تاج‌داران مرگ، زندانبان سقوط، حاشیه‌پردازان ول‌دا و به‌حساب‌نیامدگان نامیده شوند. ما همه امیدواریم که وضع خوب شود. چنان‌که اوکدان نش، نویسنده،

نوشت «انسان قربانی آگاهی است، در شکل لاعلاج امید». صدها نفر از پژوهشگرانی که این نامه را امضا کردند بر آن هستند تا امیدی را فرو نشانند که آمادگی‌ها را نادیده می‌گیرد. آنها می‌گویند بیایید نگاهی مستقیم به مغک سقوط بیندازیم و به احتمالات وحشتناک آنچه آنجا می‌بینیم بپردازیم.» تا یک آینده آشفته و متزلزل بیشترین استفاده را به‌عمل آوریم.»

### خبر

کار در آن اندیشکده، «رشته سخنرانی‌هایی درباره مسائل سیاسی» تولید کند. همچنین بعد از ۲۲ سال دوری از رادیو، آقای پنس با میزبانی پادکستی برای این سازمان محافظه‌کار جوانان که قدمتش به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد، به جهان صدا بازمی‌گردد. علاوه‌براین، به گفته بیانیه فوق، آقای پنس میزبان «یک پادکست ویدئویی خواهد بود تا اخبار خوب محافظه‌کارانه را از طریق یکی از محبوب‌ترین مدیوم‌های رسانه‌ای امروز به اشتراک بگذارد.» رویه‌رشد، برساند. مایک پنس یک ستون ماهانه نیز در روزنامه «دیلی سیگنال» خواهد داشت که بازوی رسانه‌ای بنیاد هرینج است و قرار است حین در میان مردم آمریکا بدل شود.

### آکادمی

## جای خالی امید

است. امتحانات تخصص سال‌هاست که فقط با تکیه بر محفوظات برگزار می‌شوند و برای قبولی تجربه کاری هم نقش زیادی ندارد. اتفاقاً برعکس باید کار را تعطیل و ماه‌ها در یک کلاس کنکور بسیار دشوار شرکت کرد. حرفه‌ای هم برای تدریس در این کلاس‌ها

شوق و شغفی که ۳۰ سال پیش هنگام شنیدن خبر قبولی دوره تخصص احساس کردم، دیگر تکرار نشده است. در طول هفت سال پیش از آن، امکان شروع دوره تخصص را پیدا نکرده بودم. در طول آن هفت سال هیچ‌گاه کار و زندگی در کشوری غیر از ایران و به‌مخילה‌م خطور نکرد. بسیاری از دوستان و هم‌کلاسی‌های من هم که آن زمان در چنین برزخی گرفتار بودند، نهایتاً در همین کشور ماندند و اکنون از پیش‌کسوتان جامعه پزشکی ما هستند. اوضاع خوب نبود، جنک تازه به پایان رسیده بود؛ اما ۱۰ سال بعد از انقلاب می‌شد تصور کرد که شتاب به سوی آینده‌ای پویا شروع خواهد شد. تنها چیزی که وجود داشت، امید بود. امسال در امتحانات تخصصی ظرفیت محبوب‌ترین رشته‌های سال‌های گذشته هم خالی ماند. خالی ماندن صندلی‌های رزیدنتی پدیده‌ای است که در سال‌های اخیر مشاهده شده است؛ اما برای اولین‌بار است که ظرفیت رشته قلب و رشته رادیولوژی هم خالی می‌ماند. رشته قلب همواره برای پزشکان دارای جاذبه بوده است و آخرین پیشرفت‌ها در زمینه روش‌های مداخله‌ای و امکان نجات بیمار در ساعات اولیه سکته قلبی بر این محبوبیت افزوده است. رشته رادیولوژی هم به دلیل تکنولوژی‌های نوین تصویربرداری همواره محبوب بوده است. اینکه پزشکان حتی برای رشته قلب و رادیولوژی هم داوطلب نمی‌شوند، چه معنا و پیامی دارد؟ عدم تمایل به ادامه تحصیل به معنای اشتغال به پزشکی عمومی و امکان کار در این مقطع نیست. پزشکی عمومی به‌عنوان یک شغل سال‌هاست منقرض شده



بایک زمانی

نورولوژیست

### پاد

## «پیر دیر میراث فرهنگی»



سیدمحمد بهشتی

آشنایی من با دکتر فیروز باقرزاده آن وقتی شروع شد که در بدو ورود به سازمان، تلاش می‌کردم در برنامه پنج‌ساله سوم جایگاه قابل قبولی برای میراث فرهنگی احراز شود. با این پیش‌زمینه که در برنامه اول و دوم توسعه اصلاً نامی از میراث فرهنگی نبود؛ بنابراین بسیار در پی آن بودم که سوابق امور سازمان را به دست بیاورم و با هر مسئله، قانون و ضابطه‌ای به صورت تاریخی آشنا شوم. بهترین راهنمای من در این راه کارشناسان باسابقه سازمان بودند. در خلال گفت‌وگوها و پرسش‌هایم ازجمله با آقای کابلی که یکی از باستان‌شناسان زنده بود، ایشان تعدادی کپی از اسنادی را برایم فرستاد که به آقای دکتر فیروز باقرزاده مربوط می‌شد. دکتر باقرزاده پیش از انقلاب در فرانسه زندگی می‌کرد و این اسناد مربوط به دورانی بود که وزیر فرهنگ و هنر وقت (پیش از انقلاب) به فرانسه رفته بود و از ایشان دعوت کرده بود به ایران بیاید و مسئولیت مرکز باستان‌شناسی را تقبل کند. دکتر باقرزاده هم اجازه خواسته بود که پیش از آمدن، برنامه‌ای برای این‌کار تدوین کند و اگر مورد قبول واقع شد، کار را شروع کند. این اوراق در واقع همان برنامه تدوین‌شده آقای دکتر باقرزاده بود.

ایشان بعد از یک سال این برنامه را برای وزیر وقت فرستاده بود و او هم موافقت کرد و آقای باقرزاده به ایران آمده و آغاز به کار کرده بودند. از آن علاقه‌مندی و دقت مستفاد می‌شد که آقای باقرزاده در سیستم دولتی هدفش این بود که به‌عنوی باستان‌شناسی ایرانی را پایه بگذراند؛ همان‌طور که مرحوم دکتر نگهبان در سیستم آموزشی چنین هدفی را دنبال می‌کردند. در سیری که باستان‌شناسی از اواخر قاجار تا آن دوران طی کرده بود، کار عموداً دست‌هیئت‌های خارجی می‌شد. البته نه اینکه پای هیچ باستان‌شناس ایرانی‌ای در میان نباشد؛ ولی معمولاً ایرانی‌ها در حاشیه کار باستان‌شناسان خارجی حضور کم‌رنگی داشتند. آقای باقرزاده تلاشی این بود که باستان‌شناسی هیئت‌های ایرانی را چنان تأسیس کند که هم‌تراز با خارجی‌ها در این حوزه فعالیت کنند و به این اعتبار می‌توان گفت آقای دکتر باقرزاده در عرصه عمل پدر باستان‌شناسی ایران است. همان‌طور که آقای دکتر عزت‌الله نگهبان پدر باستان‌شناسی ایران در عرصه علمی و دانشگاهی بود. آقای دکتر باقرزاده در نیمه دهه ۴۰ به ایران آمد و مرکز باستان‌شناسی را تأسیس کرد که این اتفاق عملاً تبدیل به نقطه عطف مهمی در عرصه باستان‌شناسی کشور شد. بعدها فهمیدم با وجود همه خدمات ارزشمند ایشان، پس از پیروزی انقلاب با ایشان برخورد بسیار ناشایست و تلخی شد و بسیاری با قدرناشناسی با ایشان رفتار کردند؛ به‌طوری‌که ایشان بد دل‌آزردگی ایران را ترک کردند. تصمیم گرفتم که هر طور شده ایشان را ملاقات کنم؛ به‌ویژه اینکه فهمیدم ایشان باقی خواهد ماند.

### اتفاق

### آیا ما غمگینیم؟

• آیا ما مردم ایران جزء غمگین‌ترین مردمان جهان هستیم؟ آمار و نظرسنجی‌هایی که از سال ۲۰۱۴ تاکنون هرساله از سوی گالوپ منتشر می‌شود که چنین نشان می‌دهد. ایران همواره جزء ۱۰ کشور غمگین جهان است. در آخرین فهرست عراق که با ۵۱ درصد در رده اول ایستاده، رواندا با ۴۹ درصد، افغانستان، چاد، لبنان و سیرالئون با ۴۸ درصد، غنا با ۴۷ درصد و تونس، ایران و توگو نیز با ۴۵ درصد در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند. در سال ۹۳، ایران بعد از کشور عراق غمگین‌ترین کشور جهان معرفی شد. در فوربس که سپتامبر ۲۰۱۳ منتشر شد، عراق، صربستان، بوسنی و هرزگوین، بنگلادش، لائوس، مجارستان، هند، مورتیان، فلسطین، جیبوتی و ایران به ترتیب در جایگاه‌های اول تا یازدهم غمگین‌ها قرار دارند.

به‌رحال در آخرین تحلیل داده‌ای که درباره میزان شادای و اندوه و احساسات مردم منتشر شده است، جون کلیفتون، مدیر مؤسسه گالوپ چنین نوشته است: «فرض کنید تمام رهبران گروه ۲۰ در یک اتاق جمع باشند؛ از صدراعظم آلمان تا پادشاه عربستان. سؤال این است «کدام معیار یا شاخص نشان می‌دهد کشور شما در مسیر درستی قرار دارد؟»، فکر می‌کنید جواب این سؤال چه باشد؟ قیمت سهام، تولید خالص ملی، قیمت نفت، یو کاری، نرخ فقر، ضریب GINI؟ شاید رهبران اصلاً به شاخص اقتصادی اشاره نکنند. شاید آنها درباره آمار جرائم، از جمله تعداد افراد دستگیرشده یا کاهش میزان جرائم گزارش‌شده صحبت کنند. شاید رهبران کشورهای دموکراسی‌خواه از میزان آزادی در کشورشان مثال بیاورند. اما احتمالاً حتی یک رهبر جهان نمی‌پرسد «زندگی مردم چگونه پیش می‌رود؟». در بهترین حالت، ممکن است عده‌ای بگویند ما به وضعیت مردم اهمیت می‌دهیم اما چگونه می‌توان آن را اندازه‌گیری کرد؟

گزارش احساسات جهانی ۲۰۲۰ با ارائه سنجشی از نحوه زندگی مردم تلاش می‌کند تا این خلأ را پر کند. این گزارش سعی دارد ارزیابی کند که آیا مردم از زندگی لذت می‌برند و چیزهای جدید و جالب یاد می‌گیرند. این روش سعی در سنجش این دارد که آیا افراد احساس آرامش می‌کنند یا دچار استرس شدید، غم، نگرانی یا درد جسمی هستند. به‌طور خلاصه، این نظرسنجی تلاشی است برای اندازه‌گیری همه چیزهایی که باعث ارزش زندگی می‌شود. درواقع همه آن چیزی که به آن بی‌توجهی می‌شود؛ یعنی تعیین کمیت احساس بشر.

معیارها و نتایج اعداد معمولی نیستند و شاید اکثر رهبران جهانی به آنها عادت کرده‌اند اما ممکن است آنها را ترغیب کند تا در معیارهای خود تجدیدنظر کنند. این گزارش جهانی نشان از یک عنصر اساسی بشری دارد یعنی «احساسات». در سراسر جهان، «احساس مردم» نیروی قدرتمندی است. احساسات می‌تواند حال‌وهوای روزمره را زیرورو کند یا اینکه حتی سرنوشت یک کشور و ملت را تغییر دهد. این گزارش چندی پیش منتشر شده است و در متن ۵۰صفحه‌ای آن نشان می‌دهد که مردم از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ و پیش از همه‌گیری کووید۱۹ چگونه زندگی می‌کردند و مردم جهان در اوج بحران و در قرنطینه چه احساساتی را تجربه کرده‌اند.

در این گزارش دو شاخص توسط تحلیلگران گالوپ مدنظر قرار گرفته است؛ یعنی تجربه مثبت و تجربه منفی. این دو شاخص، تصویری منحصربه‌فرد از کره زمین ارائه می‌دهند. روند کلی این تصویر ثابت باقی مانده، اما در مجموع تجارب منفی رو به افزایش است، هر کشور و هر منطقه‌ای داستان خاص خود را دارد. برخی از مردم کشورها گزارش می‌دهند که همچنان از رفاه شدید برخوردار هستند، درحالی‌که برخی دیگر آشفتنگی عاطفی زیادی را تجربه می‌کنند؛ مانند لبنانی‌ها، که غم، عصبانیت و استرس آنها به میزان قابل‌توجهی افزایش یافته است. درحالی‌که وضعیت احساسی جهان پس از کووید۱۹ توجه خاص خود را می‌طلبد، سال ۲۰۱۹ یک معیار مهم برای تحلیل «چگونگی اوضاع» پیش از بحران است.

درصد بالایی از مردم آمریکای لاتین احساسات مثبت را گزارش می‌دهند. یعنی کشورهای یاناما، گواتمالا و السالوادور و چین بالاتر از دانمارک هستند. افغان‌ها مثل قبل در پایین‌ترین حد اندوه قرار دارند و جنگ و سختی‌ها نشان می‌دهد چطور زندگی آنها تحت تأثیر قرار گرفته است اما این مردم لبنان هستند که نگرانی و اندوهشان ۲۵ درصد افزایش یافته است. ۸۶ درصد مردم روی کره زمین دوست دارند با آنها با احترام رفتار شود. اما این مردم آمریکا هستند که اندوهشان نسبت به سال قبل کاهش یافته است و بیشتر احساس شادی و نشاط داشته‌اند و در نهایت فقط ۲۷درصد آنها گزارش کرده‌اند که روز گذشته غم و اندوه زیادی را تجربه کرده‌اند.

این نظرسنجی برمبنای اظهارات روردرو یا تلفنی هزار نفر بزرگسال بالای ۱۵ سال است. در ۱۴۵ کشور آنها درباره تجربیات مثبت خود نظر دادند و در ۱۴۴ کشور درباره احساسات منفی و درصد خطای آن می‌تواند ۲.۵ درصد باشد.

<sup>[1]</sup> آیا ما مردم ایران جزء غمگین‌ترین مردمان جهان هستیم؟ آمار و نظرسنجی‌هایی که از سال ۲۰۱۴ تاکنون هرساله از سوی گالوپ منتشر می‌شود که چنین نشان می‌دهد